

خشونت نسبت به زنان پس از حمله آمریکا به عراق

ندا شاهنوری*

چکیده

مقاله حاضر به موضوع شکل‌های خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان در عراق امروز می‌پردازد. در ابتدا مختصری به شرایط حقوقی و اجتماعی زنان، محدودیتها و فرصتهای آنان در دوران رژیم بعث عراق اشاره شده است. اینکه چطور صدام حسین زمانی برای دستیابی به اهداف حزبی و اقتصادی خود عرصه را برای فعالیت زنان در اجتماع فراهم کرد و روز دیگر برای استحکام پایه‌های قدرت خود آنها را خانه‌نشین کرد. در ادامه برای ورود به مبحث اصلی این مقاله ابتدا تعریفی از خشونت، خشونت علیه زنان و تاریخچه ظهور آن در اسناد بین‌المللی ارائه شده و سپس اشکالی از آن همچون قاچاق و خرید و فروش زنان، روسپیگری اجباری، خشونت‌های خیابانی و یا تحقیر و توهین‌های جنسی در بازداشتگاهها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. اگر چه تمامی این اشکال خشونت جنسی پیش از این نیز وجود داشته‌اند، اما در ادامه مشاهده می‌شود که چگونه جنگ و سپس دورانی از آشوب عراق را به دریایی طوفانی و امنیت را به ساحلی دور بدل کرده و به این شکل زمینه را برای بروز و یا گسترش خشونت علیه زنان فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت، خشونت جنسی، قاچاق زنان، روسپیگری اجباری، قتل‌های ناموسی.

تاریخ پذیرش مقاله: 87/01/31

تاریخ دریافت مقاله: 86/11/24

خشونت نسبت به زنان پس از حمله آمریکابه عراق

مقدمه

زمانی که در ساعت 5 صبح به وقت بغداد، در روز جمعه 21 مارس 2003، 40 موشک جنگی کروز از ناو جنگی آبراهام لینکلن - که در خلیج فارس پهلو گرفته بود- به جنوب بغداد شلیک شد، کاملاً روشن شد که بوش وعده‌ای را که تنها یک روز پس از حادثه 11 سپتامبر داده بود عملی کرده است.¹ به این ترتیب سحرگاهی از راه رسید که در آن هر لحظه با بالا آمدن آفتاب سایه ترس، خشونت، ناامنی و فقر بر خاک عراق گسترده‌تر می‌شد. عقربه به‌سرعت حرکت می‌کرد و هر ساعت نامی به خود می‌گرفت. حمله، موشک باران، اشغال، گورهای دسته جمعی، ترور، آبهای آلوده، کودکان معلول، مساجد ویران، مردان پاره پاره، رودخانه اجساد و از میان غرش چرخ دنده- های این ساعت 4 ساله صدای شیون زنان درهم خرد شده عراقی هر لحظه رساتر به گوش می- رسید ...

اگر چه جنگ همچون هیولای کوری از میان همه افراد جامعه قربانی می‌گیرد، اما سربازان این شانس را دارند که در راه مبارزه برای یک هدف و در حالی که اسلحه‌شان را در دست می‌فشرند، جان خود را از دست دهند. این در حالی است که بسیاری از زنان و کودکان بی‌دفاع در این جنگ بدون افتخار و در تلخ‌ترین شرایط کشته می‌شوند و آنها که شانس زنده ماندن پیدا می‌کنند در بسیاری از اوقات در میان برهوتی سوخته و در مواجهه با فردایی نامعلوم رها می‌شوند. تبعات جنگها و خشونت علیه زنان که در شرایط ناامنی تشدید می‌شود، داستانی است که از زمان وقوع نخستین منازعات بشری دامنگیر زنان بوده و زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده است. با توسعه قوانین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه این موضوع هر چه بیشتر مورد توجه مراجع بین‌المللی واقع شده و رسیدگی به آن در دستور کار قرار گرفته است.

هدف از ارائه این مقاله تبیین وضعیت خشونت نسبت به زنان در عراق بعد از حمله آمریکا در مارس سال 2003 است که در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق زنان ارائه می‌شود.

پیشینه شرایط اجتماعی زنان عراق در دوران رژیم بعث

پس از آنکه حزب بعث عراق در سال 1968 بر سر کار آمد، به دنبال تحکیم پایه‌های قدرت خود و دستیابی سریع به رشد اقتصادی بود. به همین منظور به تدوین قوانین جدیدی پرداخت که شرایط مشارکت زنان را در سطوح اجتماعی افزایش می‌داد.^۲ از 1920 به این سو مجموعه‌ای از آزادیهای اجتماعی به زنان عراقی اعطا شده بود. قانون جایگاه شخصی^۳ که در سال 1959 و تنها چندی پس از آنکه عراق به یک جمهوری بدل شده بود، به تصویب رسید، حقوق برابر در ارث و طلاق و حضانت فرزندان را برای زنان و مردان عراقی به رسمیت شناخت. این قانون بر پایه قوانین عثمانی نوشته شده بود که خود بسیار تأثیر پذیرفته از مجموعه قوانین مدنی فرانسه و آلمان بود. در پیش نویس قانون اساسی نیز که در 1970 تدوین شده بود، به مسأله تساوی زن و مرد تأکید شده بود. ماده 19 این قانون اظهار می‌کرد: تمامی شهروندان بدون در نظر گرفتن جنس، نژاد، زبان، طبقه اجتماعی و مذهب در پیشگاه قانون اساسی برابرند.^۴

عراق در دهه 1970 میلادی به چند کنوانسیون بین‌المللی پیوست که از آن جمله می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی (CESR)^۵ در 1971 و میثاق حقوق مدنی و سیاسی (CCPR)^۶ در همان سال اشاره کرد. در این میثاق که از 16 دسامبر 1966 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و برای امضای کشورها گشوده شده بود، به ممنوع شدن شکنجه و مجازات یا رفتارهای ظالمانه غیرانسانی و تحقیرکننده، ممنوع شدن بردگی و خرید و فروش برده، حق آزادی و امنیت شخصی و حق آزادی بیان عقیده و مذهب، حق نکاح و تشکیل خانواده و تساوی زن و مرد در حقوق و مسؤولیتهای دوران زوجیت و هنگام طلاق پرداخته بود؛ اگرچه مجازات اعدام در آن به‌طور صریح لغو نشده بود، اما جهت‌گیری آن به سوی لغو مجازات مذکور بود.^۷

پذیرش چنین اسناد حقوق بشری از سوی رژیم بعث، با توجه به محتوی غنی انسانی آن، این انتظار را ایجاد کرد که اقداماتی برای بهبود شرایط مردم عراق اعم از زن و مرد انجام شود، اما رژیم بعث عراق به تعهدات ناشی از این اسناد توجهی نکرد.

در 1979 دولت قانون ریشه‌کنی بی‌سوادی را به اجرا درآورد. بر این اساس تمام افراد بین 15 تا 45 ساله بی‌سواد، باید به مراکز سوادآموزی محلی مراجعه می‌کردند. بیشتر این مراکز به‌وسیله فدراسیون عمومی زنان عراق^۸ اداره می‌شد. این نهاد پس از روی کار آمدن حزب بعث و به دنبال از بین بردن بسیاری از نهادهای وابسته به امور زنان در 4 مارس 1969 ایجاد شد و تا سال 1996 هم به فعالیت خود ادامه داد و یک میلیون و 500 هزار عضو در شاخه‌های مختلف آن فعالیت کردند. این نهاد که در واقع شاخهٔ زنان حزب بعث به شمار می‌رفت، به دنبال جایگزین کردن قوانین سکولار با قوانین مبتنی بر شریعت بود و از مهمترین فعالیت‌های آن می‌توان به ایجاد موزهٔ زنان در بغداد اشاره کرد که اولین نمونه در دنیای عرب به شمار می‌رفت.^۹ به هر حال با اقدامات دولت در قالب این سازمان بسرعت شکاف سطح سواد بین مردان و زنان را کاهش داد، به‌گونه‌ای که در 1987، 75 درصد از زنان عراق باسواد بودند.^{۱۰}

دولتمردان عراقی آرام آرام قوانین استخدام و کاری را تصویب کردند که فرصتهای برابر اشتغال را در بخش خدمات اجتماعی برای زنان فراهم می‌کرد و تسهیلاتی را در دوران بارداری و یا به منظور حفاظت از آزارهای محیط کار برای آنان تضمین می‌کرد. گزارش ادارهٔ آمار عراق در سال 1976 نشان می‌دهد، 35 درصد افراد شاغل در آموزشهای حرفه‌ای، 31 درصد در آموزشهای پزشکی، 25 درصد شاغلان در آزمایشگاهها و 15 درصد حسابرسان و کارمندان خدماتی را زنان تشکیل می‌دادند.^{۱۱} بلندپروازیهای صدام حسین و جنگ با ایران باعث شد تا با کاهش تعداد مردان شاغل در بخش خدمات عمومی و اعزام آنان به جنگ، زنان نقش گسترده‌تری را در این عرصه به‌عهده بگیرند و آمار و ارقام نرخ اشتغال زنان تا آغاز دههٔ 90 به طور مدام افزایش پیدا می‌کرد.

در 1979 عراق به پیمان‌نامهٔ محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW)^{۱۲} پیوست، اگر چه حق شرطهایی را هم برای خود قائل شد. در همین دهه زنان عراقی حق رأی و مشارکت در امور سیاسی کشور را به دست آوردند.^{۱۳} همهٔ این اقدامات تنها یک روی سکه بود. جمهوری

وحشت صدام حسین تنها با ساکت کردن تمامی صداهاى مخالف برپا مى ماند و به این ترتیب صدام برای سرکوب مخالفان خود از آزار و اذیت خانواده آنها بویژه زنان و دخترانشان دریغ نمى کرد. گرفتن اعتراف، دستیابی به اطلاعات خانواده‌های محکومان، ترساندن و تحت فشار قرار دادن مخالفان با فرستادن نوارهای ویدئویی که در آن زنی از نزدیکان فرد فراری به وسیله پلیس مخفی عراقی مورد تجاوز قرار می‌گرفت یا استفاده از همین دست تصاویر برای وادار کردن افراد به همکاری با رژیم، اهدافی بود که دولت صدام آن را دنبال می‌کرد. علاوه بر این، زنان مخالف خود به شکل معمول در زندانهای عراق مورد شکنجه قرار گرفته و یا به قتل می‌رسیدند. ضرب و شتم، تجاوز، شوک الکتریکی و داغ کردن اشکالی از این شکنجه‌ها را شامل می‌شد^{۱۴}. خشونت‌های منظم علیه زنان تنها در پشت دیوارهای بلند زندان رخ نمی‌داد. در پوشش مبارزه با زنان روسپی و در واقع برای ترور مخالفان رژیم، یک سازمان شبه نظامی با نام فدائیان صدام به سرکردگی عدی حسین پسر بزرگ صدام ایجاد شد که سر بیش از 200 زن عراقی را از تن جدا کرد و جلوی در خانه‌هایشان رها کرد.

از بسیاری از خانواده‌های این افراد خواسته شد تا برای عبرت دیگران سر این قربانیان را تا چندین روز در جلوی خانه آویزان کنند. این زنان بدون محاکمه، ظاهراً به بهانه روسپیگری و در واقع به اتهامات سیاسی با چنین شیوه وحشیانه‌ای سر بریده شدند^{۱۵}.

در دوم اوت 1990، صدام به بهانه اینکه کویت و سایر کشورهای عربی در طول جنگ عراق و ایران ذخایر نفتی آن کشور را به غارت برده‌اند و با اعلام ادعای ارضی نسبت به خاک کویت، به این کشور حمله کرد و با یک سرعت برق‌آسا از 2 نیمه شب تا 8 صبح این کشور را بلعید^{۱۶}. این اقدام عراق به وسیله جامعه جهانی بی‌پاسخ نماند و نبردی همه جانبه علیه ماشین نظامی صدام آغاز شد که تمام زیرساختهای حیاتی کشور را نابود کرد و پس از آن دورانی طولانی از تحریمهای بین-المللی از راه رسید که به شکل مستقیم و غیر مستقیم زندگی زنان عراق را نیز تحت تأثیر قرار داد. مدت تقریبی این تحریمهای همه جانبه علیه عراق 12 سال بود. هر چند بعدها با تصویب قطعنامه 986 (1995) و توافقات صورت گرفته بین دولت صدام و سازمان ملل متحد برنامه نفت در برابر غذا در عراق اعمال شد^{۱۷}. در این سالها زنان عراقی که در بین سالهای 1975 تا 1985 میلادی

وضعیت بهتری از نظر سلامت و بهداشت به دست آورده بودند، با مشکلات گوناگونی از قبیل سوء تغذیه، مرگ و میر در حین زایمان و کم خونی ... مواجه شدند. فقر باعث شد تا دختران نوجوان زیادی از مدرسه‌ها بیرون کشیده شوند و زنان مشاغل خود را نیز از دست دادند.^{۱۸}

در طی سالهای دهه ۱۹۹۰ صدام حسین که تا آن روز به دنبال اجرا کردن قوانین سکولار بود، پس از شکست در جنگ کویت و در دوران تحریمهای همه‌جانبه بین‌المللی به منظور به دست آوردن حمایت‌های داخلی، زمانی که تقریباً دنیا از او رو برگردانده بود، به زنده کردن سنتهای قومی پرداخت که برداشتهای به خطا رفته و یا کاملاً مردسالارانه از دین در آنها ریشه دوانده بود و به این ترتیب شرایط برای زنان عراقی هر روز دشوارتر می‌شد. صدام در سال ۱۹۹۰ ماده ۱۱۱ قانون جزایی عراق را وضع کرد. بر طبق این ماده مردانی که زنان و یا نزدیکان مؤنث خود را برای دفاع از شرافت خانواده به قتل می‌رسانند از تعقیب و مجازات معاف بودند.^{۱۹} گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان اظهار می‌کند که بیش از چهار هزار زن، قربانیان این به اصطلاح قتل‌های ناموسی از زمان به اجرا در آمدن ماده ۱۱۱ بودند.^{۲۰}

همان‌گونه که عنوان شد مدیریت نادرست پولی که از برنامه نفت در برابر غذا عاید عراق می‌شد، ثمری جز گسترش فقر در جامعه نداشت. با کاهش تعداد مشاغل، زنان کارمند برکنار شده و به جای آن مردان که اولویت بیشتری داشتند، به کار گرفته شدند. این مسأله، شرایط را بویژه برای زنانی که همسران خود را در جنگ و کار خود را پس از جنگ از دست داده بودند، دشوارتر می‌کرد. با کاهش تعداد مردان و فقر حاکم، زنان بی‌سرپرست شانس چندانی برای ازدواج مجدد نداشتند. افزایش فشارهای اجتماعی و اقتصادی، بهداشت روانی زنان عراق را تحت تأثیر قرار داد و آمار خودکشیها افزایش پیدا کرد. دسته‌ای دیگر از زنان را آوارگان جنگی تشکیل می‌دادند که امکان بازگشت به خانه‌های خود را نداشتند، زیرا نمی‌توانستند برای به دست آوردن زمین مبارزه کرده و سپس از آن دفاع کنند.^{۲۱} همین سیر وقایع تا زمان سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ ادامه پیدا کرد.

بررسی حقوقی مفهوم خشونت علیه زنان

پس از ارائه یک شمای کلی از وضعیت زنان در عراق (دوران صدام حسین) و پیش از وارد شدن به مبحث اصلی این مقاله، یعنی بررسی اشکال خشونت علیه زنان در طول دوران اشغال عراق از 2003 تا امروز، شایسته است به تعریف مسأله خشونت و چهارچوبهای قانونی آن در نظام حقوق بین الملل پرداخته شود.

بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی WHO^{۲۲} خشونت به استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، تهدید و یا تمایل به استفاده از آن علیه خود یا دیگری، گروه یا جامعه اطلاق می شود که موجب بروز آسیب، مرگ، آسیبهای روانی، ضعف رشد یا انواع محرومیتها می شود. عواقب خشونت ممکن است به طور آنی ظاهر شده و یا به صورت پنهان باقی مانده و سالها پس از آسیب اولیه آشکار شود.^{۲۳}

در اعلامیه محو خشونت علیه زنان مجمع عمومی سازمان ملل به سال 1993 عبارت خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت تعبیر شده است که سبب بروز یا احتمال بروز آسیبهای جسمانی، جنسی، روانی و یا رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی یا محدودیتهای اجباری و یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در زندگی عمومی یا زندگی خصوصی می شود.^{۲۴}

خشونت علیه زنان شکلهای زیر را شامل می شود: خشونتهای خانگی، تجاوز جنسی، قاچاق زنان و دختران، روسپیگری اجباری، خشونت در کشمکشهای مسلحانه مثل قتل، تجاوز جنسی سیستماتیک، بردگی جنسی، بارداری اجباری و نیز دیگر اشکال خشونت همچون، قتل برای شرافت و خشونت در ارتباط با جهیزیه، کشتن جنین مؤنث و انتخاب جنین پیش از زایمان به نفع نوزاد ذکور، ناقص کردن عضو جنسی مؤنث و دیگر رویه ها و سنتهای زیان بار.^{۲۵}

در پنجمین کنفرانس جهانی زن در پکن 1995 دسته بندی مشابه دیگری از اشکال خشونت علیه زنان ارائه شده است:

الف: خشونتهای جسمانی و روانی که درون خانواده رخ می دهد از جمله ضرب و جرح، سوء استفاده جنسی از کودکان دختر خانواده، خشونتهای جهیزیه ای، تجاوز به وسیله همسر، ختنه دختران و دیگر رویه های سنتی زینبار برای زنان، خشونت به وسیله افرادی غیر از همسر؛

ب : خشونت جسمانی و روانی که در جامعه رخ می‌دهد و متوجه زنان می‌شود : تجاوز به عنف، سوء استفاده جنسی، آزار رسانی و ارعاب جنسی در محل کار، نهادهای آموزشی و مکانهای خرید و فروش و روسپیگری اجباری؛

ج : خشونت جسمانی و روانی که دولتها خود مرتکب آن شده و یا آن را نادیده می‌انگارند^{۲۶}.
در مجموعه اسناد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کنوانسیون لاهه 1907 طی ماده 46 لزوم احترام به حیثیت و خانواده، زندگی افراد و دارایی فردی و اعتقادات و اجرای اعمال مذهبی را مورد توجه قرار می‌دهد که حمایت از زنان را می‌توان به عنوان بخشی از احترام به حیثیت و خانواده تفسیر کرد^{۲۷}. چهار کنوانسیون ژنو 1949 و دو پروتکل الحاقی 1977 از 560 ماده خود در 42 ماده مشخص حمایت از زنان را به اشکال مختلف مورد توجه قرار می‌دهند که می‌توان آن را در چهار دسته زیر طبقه‌بندی کرد :

- 1- رفتار انسانی با جنگجویان زن بویژه اسرای جنگی؛
- 2- حمایت از زنان غیرنظامی (دشمن و خودی) در مقابل اشغالگران؛
- 3- حمایت از زنان غیرنظامی در مقابل آزار جنسی و رفتار تحقیرکننده؛
- 4- درخواست تمهیدات لازم برای برآوردن نیازهای فیزیکی مربوط به زنان باردار و مادران و

۲۸ ...

همچنین بند E (ه) ماده 4 پروتکل الحاقی 1977 (که مربوط به وضعیت تعارضات مسلحانه غیر بین‌المللی است) هر گونه تخطی، بی‌حرمتی، تجاوز، فحش‌های اجباری و هرگونه تهدید علیه اشخاصی را که سهم مستقیم در جنگ ندارند و یا مشارکت خود را قطع کرده‌اند ممنوع می‌کند^{۲۹}.
کنوانسیون نسل‌کشی عمومی ملل متحد نیز در دو ماده تجاوز جنسی را جنایت علیه بشریت دانسته و آن را محکوم کرده است. در مجموعه حقوق عرفی نیز عمل فوق جنایت علیه بشریت است. در سال 1919 در کنفرانس صلح پاریس کمیسیون مسؤولیت بانیان جنگ و اجرای مجازات آنان پایه‌گذاری شد. در این کمیسیون تخلف نسبت به قانون طی 32 مورد بیان شده است که یکی از این موارد تجاوز هتک ناموس و ربودن زنان و دختران عنوان شده است^{۳۰}.

کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان در 18 دسامبر 1979 طی قطعنامه 180/34 مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در دسامبر 1981 با گذشتن 30 روز از تودیع، 20 سند الحاق یا تصویب لازم‌الاجرا شد. در ماده ششم این کنوانسیون بحث سرکوب قاچاق زنان و بهره‌کشی از روسپیگری زنان مورد توجه قرار گرفته است و دول عضو متعهد شده‌اند تا کلیه اقدامات مقتضی را از جمله وضع قوانین به‌منظور جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی و بهره‌کشی از روسپیگری زنان به عمل آورند.^{۳۱}

گرچه سومین کنفرانس جهانی زن در نایروبی کنیا (1985)، خشونت علیه زنان را جزء استراتژیهای اساسی مسأله صلح قرار می‌دهد و اعلامیه نهایی کنفرانس وین 1993 موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد، اما به جرأت می‌توان گفت تا قبل از تصویب اعلامیه خشونت علیه زنان در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی به این موضوع به صورت ویژه پرداخته نشده بود.

آغاز دهه 1990 میلادی و فروپاشی نظام دو قطبی بسیاری از نیروهای متعارض را آزاد کرد. با آغاز جنگهای قومی و نژادی در نقاط گوناگون جهان از یوگسلاوی گرفته تا سومالی و رواندا وضعیت زنان درگیر این شرایط به وخامت گرایید. بین سالهای 1991 تا 1994 هزاران زن سومالیایی مورد تجاوز قرار گرفتند. زنان در رواندا، کنگو و سیرالئون مورد آزار قرار گرفته و در بوسنی آواره و سرگردان در کوهستانها فرزندان قاتلان همسران و پدران خود را به دنیا آوردند.

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا بر اساس قطعنامه‌های (1994) 995 شورای امنیت شکل گرفت و تجاوز را به عنوان جنایت علیه بشریت شناخت و تشخیص آن را به عهده دادگاه گذاشت. دادگاه ویژه برای سیرالئون نیز همین مسیر را در پیش گرفت و حتی در سال 2004 با اضافه کردن شعبه‌ای برای رسیدگی به موضوع ازدواج اجباری برای نخستین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل این امر به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شد.^{۳۲}

تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا در سالهای 1994 و 1995 میلادی با اعطای اختیارات ویژه برای تعقیب و رسیدگی به تجاوز به عنوان جنایت علیه بشریت زمینه جدیدی را در مبارزه با خشونت علیه زنان ایجاد کرد.^{۳۳} کار پایه پکن 1995 نیز به میزان زیادی به موضوع خشونت مبتنی بر جنسیت و مسائل دیگری که زنان در جنگ با آن مواجه می‌باشند،

پرداخته است. تصویب یک سند مفصل بالغ بر 361 بند به عنوان برنامه عمل در زمینه‌های مختلف حقوق اجتماعی و بهداشتی در جهت ارتقای وضعیت زنان و تضمین حقوق برابر برای آنها با مردان در تمامی زمینه‌ها و تأکید بر اجرای آن به شیوه‌های مختلف. در این سند از خشونت علیه زنان به عنوان مانعی در برابر دستیابی به اهداف برابری و توسعه و صلح یاد شده است. این خشونت برخوردارانی زنان را از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین نقض، تضييع یا سلب می‌کند.^{۳۴} پس از این، موضوع خشونت علیه زنان بویژه در زمان جنگ در دستور کار بسیاری از نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. هر ساله سازمانهای متعددی از UNIFEM^{۳۵} گرفته تا عفو بین‌الملل^{۳۶} گزارشهای مدونی را در زمینه جنگ و منازعه‌های مسلحانه و خشونت دامنگیر زنان تحت چنین شرایطی منتشر می‌کنند. اعلامیه‌های نهایی کنفرانس پکن +5 و پکن +10 در نیویورک نیز به صورت جداگانه به موضوع خشونت علیه زنان پرداخته‌اند.

تصویب قطعنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد گام بزرگی در دگرگونی و پیشبرد حقوق زنان در موضوعات صلح و امنیت بین‌الملل به شمار می‌رود. این نخستین سند قانونی و رسمی از سوی شورای امنیت ملل متحد است که طرفین درگیری را ملزم به رعایت و احترام به حقوق زنان کرده و مشارکت آنان را در مذاکرات صلح و فرایند بازسازی خواستار می‌شود. این قطعنامه نخستین سند شورای امنیت است که به شکل مستقیم تأثیر جنگها بر زنان را مورد توجه قرار می‌دهد و بر نقش برابر و مشارکت همه جانبه آنان در برقراری صلح پایدار تأکید می‌کند. از آن جمله می‌توان به:

- 1- تعقیب افراد مرتکب جنایت علیه زنان؛
- 2- حمایت‌های اضافی از دختران و زنان در مناطق جنگی. از آنجا که آنها در بسیاری از مواقع به صورت عمدی قربانی می‌شوند؛
- 3- شرکت دادن بیشتر زنان در عملیات صلح سازی و صلح بانی؛
- 4- مشارکت بیشتر زنان در مذاکرات و گفتگوهای صلح و برنامه‌ریزیهای بازسازی پس از جنگ اشاره کرد^{۳۷}.

از جمله آخرین اقداماتی که می‌توان در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان به آن پرداخت، برگزاری نشست بین‌المللی حق درمان و غرامت زنان و دختران است که در 19 تا 21 مارس 2007 در نایروبی برگزار شد و در آن جمعی از فعالان حقوق زنان، وکلا و قربانیان خشونت‌های جنسی در معارضات مسلحانه از قاره‌های گوناگون جهان حضور داشتند. در اعلامیه این نشست بر حق زنان قربانی خشونت برای ادعای غرامت، درخواست برقراری عدالت و مجازات مرتکبان تأکید شده است.^{۳۸}

حال به بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان پس از حمله سال 2003 آمریکا به عراق پرداخته می‌شود. مقاله حاضر تلاش دارد تا به بررسی اشکال خشونت بویژه خشونت‌های مبتنی بر جنسیت نسبت به زنان و دختران عراقی در سالهای اخیر و پس از حمله ایالات متحده به عراق بپردازد. اگر چه این موضوعات خود هر کدام چهارچوبهای حقوقی مخصوص به خود را دارند، اما به تمامی در قالب خشونت علیه زنان طبقه‌بندی می‌شوند. برخی زاینده شرایط جنگی هستند و در ارتباط با برخی دیگر جنگ بروز آنها را آشکارتر و مقابله با آن و تعقیب مرتکبان را دشوارتر می‌کند.

آثار خشونت بر زنان از حمله 2003 آمریکا به عراق

1- قربانیان جنگ

وقوع سه جنگ پیاپی در عراق، جنگ با ایران 1980-1988، جنگ خلیج فارس 1991 و جنگ سال 2003 ترکیب جمعیتی عراق را دگرگون کرده است. علاوه بر این به علت کشتار مردم عراق به وسیله صدام، افزایش تعداد جمعیت این کشور در سرشماریهای مختلف می‌توانست در دسرساز باشد. به این ترتیب لازم بود تا کسی آمار درست جمعیت را نداشته باشد تا بتوان به راحتی کشتارها را پنهان کرد. به هر حال بر اساس آمار موجود جمعیت عراق حدود 26 میلیون نفر^{۳۹} برآورده شده که در حدود 55 تا 60 درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند.^{۴۰} در میان آمار هر روز کشته‌های بمب‌گذاریها و ناامنیهای عراق و اجساد یافت شده در گوشه و کنار، شماری از زنان نیز به

چشم می‌خورند. به طور کلی تعیین تعداد کشته‌ها چندان آسان نیست. نبود آمارهای دقیق جمعیتی، تأیید نکردن این آمارها به‌وسیله نهادهای معتبر بین‌المللی و بی‌اطلاعی از آمار زنان مفقود شده به دلیل شرم خانواده از ارائه اطلاعات و یا وجود قتل‌های خانوادگی و ناموسی که هرگز فاش نمی‌شوند، از دلایل این امر به شمار می‌رود. تنها در نوامبر و دسامبر سال گذشته (2006) 6400 شهروند عراقی کشته شده‌اند که به این ترتیب تعداد قربانیان این سال به 34452 نفر می‌رسد. در این میان 36685 شهروند عراقی نیز زخمی شده‌اند.^{۴۱} به گزارش IBC^{۴۲} تا ماه مارس سال 2005، یعنی تنها دو سال پس از حمله آمریکا به عراق 24856 نفر شهروند عراقی جان باخته‌اند که از این میزان 20 درصد آمار کشته‌شدگان به زنان اختصاص دارد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود آمار در سال 2006 به شکل چشم‌گیری افزایش داشته است. این نسبت در سال 2007 نیز تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. به روایت یکی از اعضای IBC مرگ شهروندان عراق هزینه فراموش شده تصمیم آمریکا برای حمله به عراق بوده است.^{۴۳} در برخی از موارد زنان هدف مستقیم حملات قرار می‌گیرند. قتل‌های ناموسی، ترور برخی وکلای سیاسی و زنانی که به عنوان مترجم یا کارمند دفتری با نیروهای اشغالگر همکاری می‌کنند یا برخی از فعالان حقوق بشر و یا جنبشهای زنان از این دست به شمار می‌روند.

2- خشونت‌های جنسی در خیابانها

آشوب جنگ، ناامنی در خیابانها را به دنبال آورده است. شرایطی که در آن زنان به عنوان اهداف آسان مورد حملات وحشیانه گروههای جنایتکار یا افراد مهاجمی قرار می‌گیرند که شرایط را برای جولان خود مهیا می‌بینند. هتاک، حرمت‌شکنی زنان، تجاوز، آدم ربایی، تهدید و قتل مجموعه‌ای از خشونت‌هایی را شامل می‌شود که زنان عراقی را در هر سن و موقعیتی تهدید می‌کند. دیده‌بان حقوق بشر در ماه مارس 2003 گزارشی را منتشر کرد که از 25 مورد تأیید شده تجاوز و آدم‌ربایی زنان در نخستین ماه اشغال بغداد حکایت داشت.^{۴۴} هر روز داستان‌هایی از تجاوز و آدم ربایی زنان در گوشه و کنار شنیده می‌شود. صبا دختر 9 ساله‌ای که از مقابل پله‌های ساختمان مسکونی‌شان ربوده شد، مورد آزار و اذیت قرار گرفت و سپس در شرایط نامناسبی در خیابان رها شد. اسما مهندس جوانی که در حین خرید به همراه خانواده‌اش از خیابان ربوده شد و در خانه‌ای

در بیرون از شهر به دفعات به وسیله 6 مرد مسلح مورد هتک حرمت قرار گرفت و سپس در گوشه-ای رها شد^{۴۵}، تنها نمونه‌های نام‌آشنایی از شخصیت‌های این روایتها هستند. به گواهی یک پلیس عراقی "برخی از این افراد مسلح در ربودن دخترها حرفه‌ای‌اند و آنها را به کشورهای خلیج می-فروشدند. این اتفاقی است که پیش از جنگ نیز می‌افتاده، اما الان اوضاع بدتر شده است. جنایتکاران بدون داشتن گذرنامه به مرزها وارد و از کشور خارج می‌شوند"^{۴۶}.

این اقدامات نه تنها به محدود شدن فعالیت زنان در اجتماع منجر می‌شود بلکه بار زیادی را نیز بر شانه‌های نیروی انتظامی و قضایی عراق که مشغول سر و سامان دادن به آشوبها و ناامنیها هستند، تحمیل می‌کند و با ناامن کردن جامعه دولت را تحت فشار قرار می‌دهد. زنان و دخترانی که در خیابانها آزار و اذیت می‌شوند، سرنوشت دردناک و متفاوتی پیدا می‌کنند. گروهی پس از چندی در خیابان رها شده و این شانس را دارند که نزد خانواده‌های خود بازگردند. در این میان تعدادی با مشکلاتی از قبیل عدم پذیرش خانواده، طرد و یا منزوی شدن مواجه شده یا بر اثر قتل‌های ناموسی از بین برده می‌شوند. گروهی پس از مورد تجاوز قرار گرفتن به قتل می‌رسند، سوزانده، رها و یا در رودخانه‌ای انداخته می‌شوند و جمعی به نقاط دیگری از کشور و یا کشورهای مجاور برای سوء استفاده جنسی قاچاق می‌شوند. دختران جوان و زنان عراقی اگر از این خشونت‌ها جان سالم به در ببرند تا مدتها با مشکلات روانی به جا مانده از این اقدامات دست به گریبانند. علاوه بر این، تأثیر این گونه حوادث بر خانواده‌ها باعث می‌شود تا آنها برای حمایت و حفاظت از دختران خود به ناچار رفت و آمد آنها را در جامعه محدود کرده و یا آنها را در خانه نگه دارند.

3- خرید و فروش و قاچاق زنان و دختران

شرایط سخت اقتصادی و فقر تعدادی از خانواده‌ها را وادار به فروش دختران خود کرده است. شبکه الجزیره با ابواحمد یک پدر معلول که پنج دختر دارد، مصاحبه کرده است. او گفته است نمی‌تواند برای تمام کودکانش غذا تهیه کند و مطمئن است دخترش هر کجا که باشد حداقل غذایی برای خوردن خواهد داشت. "من سه دختر دیگر و یک پسر دارم و با پولی که آنها برای دخترم به من خواهند داد، حداقل تا مدتی می‌توانم به آنها برسم" در این میان شنیدن صحبت‌های یک واسطه باندهای قاچاق انسان هم جالب به نظر می‌رسد. "خانواده آنها را نمی‌خواهد و ما به دختران آنها

کمک می‌کنیم تا زنده بمانند. ما به آنها غذا و سرپناه می‌دهیم و اگر حداقل در روز 2 مراجعه-کننده داشته باشند، روزانه 10 دلار درآمد خواهند داشت. اولویت هم با دختران باکره‌ای است که با قیمتهای زیاد به میلیونرهای عرب فروخته می‌شوند"⁴⁷. مثال دیگر داستان دختری با نام مستعار مریم است که رویترز آن را روایت می‌کند. پدري که توان مراقبت از فرزندانش را ندارد، دختر 16 ساله‌اش را در بغداد به یک واسطه قاجاق می‌فروشد. در نوامبر سال 2005 یکی از اعضای گروههای قاجاق زنان به پدر مریم 6000 دلار برای دخترش پیشنهاد می‌دهد و عنوان می‌کند که او را برای کار خانگی به دبی می‌فرستد. به پدر قول داده می‌شود که دخترش پس از یکسال و با پایان قرارداد به خانه باز خواهد گشت. اما دختر در دبی در خانه‌ای با حدود 20 دختر جوان دیگر که همگی از کارگران جنسی هستند نگهداری شده و به‌وسیله یک پیرمرد به طرز وحشیانه‌ای مورد تجاوز قرار می‌گیرند⁴⁸. یک فعال حقوق بشری در دبی عنوان می‌کند: "اینجا بسیار معمول است که به دخترها قول کار خانگی داده شود و سپس آنها مجبور به روسپیگری شوند". او عنوان می‌کند گاه به دخترانی 10 هزار دلار پیشنهاد می‌شود تا به امارات متحده عربی بیایند و سپس از 6 تا 6000 دلار در شب، بسته به مراجعه کننده به آنها پرداخت می‌شود⁴⁹. گزارشی که وزارت امور خارجه ایالات متحده در سال 2005 منتشر کرد، عنوان می‌کند: در چنین وضعیتی وسعت این مشکل را در عراق به‌سختی می‌توان اندازه‌گیری کرد، اما می‌توان گفت که تعداد نامعینی از زنان و دختران عراقی به سوریه، اردن، یمن و دیگر کشورهای خلیج فارس برای استثمار جنسی قاجاق می‌شوند⁵⁰.

یک سازمان غیر دولتی عراقی در امور زنان OWFI⁵¹ ادعا کرده که اسناد ناپدید شدن 4000 زن عراقی را جمع‌آوری کرده است این اسناد نشان می‌دهد که 20 درصد از آنها زیر 18 سال سن داشته‌اند و گفته می‌شود نزدیک به 25 درصد از این زنان ربوده و به منظور بردگی جنسی قاجاق شده‌اند⁵². به این ترتیب عراق پس از سال 2003 به سرچشمه قاجاق زنان به کشورهای همسایه در خلیج فارس تبدیل شده است. اگر چه قاجاق انسان و روسپیگری در امارات متحده عربی غیرقانونی است، اما در عمل این کشور به یکی از مقاصد قاجاق زنان تبدیل شده است. گفته می‌-

شود که نزدیک به 10 هزار زن از منطقه حاشیه صحرای آفریقا، اروپای شرقی و آسیای جنوب شرقی و بخشهایی از خاورمیانه قربانیان قاچاق انسان را در این منطقه تشکیل می‌دهند.^{۵۳} مسأله قاچاق زنان موضوع گسترده‌ای است که برای کنترل آن نه تنها باید در مبدأ ترتیبات قانونی اندیشیده شده و مرزها مراقبت شوند بلکه باید تلاشهایی برای از بین بردن بازارها در مقصد یا مقاصد بعدی نیز صورت گیرد. به عنوان مثال اتحادیه اروپا علی‌رغم قوانین محدود کننده‌اش در موضوع قاچاق انسان بویژه در زمینه زنان و کودکان، مقصد 500 هزار زن و دختر مهاجر غیرقانونی است و تجارت زنان در اروپای شرقی تنها در آغازین سالهای قرن 21، درآمدی 13 میلیارد دلاری برای قاچاقچیان داشته است.^{۵۴}

امارات متحده عربی تنها مقصد قاچاقچیان در منطقه نیست. در ماه می سال 2006 گزارش مشترکی از سوی UNHCR^{۵۵} UNICEF^{۵۶} و WFP^{۵۷} منتشر شد که از یک شبکه سازمان یافته تجارت جنسی در سوریه حکایت می‌کرد و ارتباطی را بین وخامت شرایط شهروندان عراقی و افزایش روسپیگری و قاچاق انسان به منظور بردگی جنسی از عراق به سوریه نشان می‌داد.^{۵۸} درک ابعاد این مشکل علی‌رغم تأیید وجود آن کار چندان آسانی نیست. سازمانهای غیردولتی تلاش می‌کنند تا با ایجاد سرپناه در کشورهای مقصد امکانی را برای کمک به این زنان مورد سوء استفاده قرار گرفته فراهم کنند. دولت عراق، کنترل مرزها را افزایش می‌دهد و برای دستگیری قاچاقچیان تلاش می‌کند. در کشورهای مقصد همچون امارات قوانین محدودکننده و کنترل‌های بیشتری برای کاهش این جریان شتابگیر در حال انجام است. دخترانی که از این باندهای فساد فرار کرده و یا خود را به مراکز حمایتی می‌رسانند، در بازگشت به عراق به جرم خروج غیر قانونی از کشور مدتی را در بازداشت خواهند گذراند. آینده این دختران در بازگشت به خانواده و جریان عادی زندگی سوآلی است که به آسانی نمی‌توان به آن پاسخ داد.

4- روسپیگری برای بقا

فحشا، خرید و فروش روابط جنسی است. به عبارت دیگر، فحشا عبارت از ایفای عمل جنسی با فرد دیگر در مقابل پرداخت پول است. روسپی ممکن است مرد یا زن باشد ولی معمولاً این عمل را به زنان نسبت می‌دهند.^{۵۹} ملل متحد به‌تازگی گزارشی را منتشر کرده و در آن به موضوع گسترش

مشکل (سکس برای بقا)^{۶۰} در بین زنان آواره عراقی پرداخته است. پیش از حمله آمریکا به عراق، زنان بی سرپرست بویژه آنها که همسران خود را در طی جنگ ایران و عراق از دست داده بودند از مزایایی مثل آموزش رایگان برای فرزندان‌شان، در برخی موارد مسکن رایگان و غرامت برخوردار می شدند، اما هیچ یک از این شبکه‌های حمایتی دیگر وجود ندارد و زنان بی سرپرست از امکانات محدودی برخوردارند. بر اساس آمارهای OWFI، 15 درصد از زنان بیوه عراقی به دنبال ازدواجهای موقت یا روسپیگری هستند^{۶۱}. اگر چه آمارهای قابل اعتماد چندان در این زمینه در دست نیست، اما سخنگوی OWFI اظهار می کند نزدیک به 350 هزار زن بی سرپرست تنها در بغداد وجود دارند و 8 میلیون نفر دیگر در سراسر عراق پراکنده‌اند^{۶۲}. این زنها گاه برای حمایت از فرزندان و عزیزانشان چاره‌ای جز روی آوردن به روسپیگری ندارند. این معضل در بین زنان آواره عراقی نیز قابل مشاهده است. اریکا فلر دستیار کمیسر ارشد UNHCR در مسأله حمایت از آوارگان، از ظهور پدیده تازه‌ای در بین خانواده‌های عراقی پناهنده در سوریه با عنوان ازدواجهای آخر هفته (اصطلاح جایگزین برای خود فروشی) صحبت می کند: "خانواده‌ها، دختران جوان خود را در قبال پرداخت مبلغی پول برای آخر هفته به عقد ازدواج موقت مردی در می آورند و روز شنبه طلاق جاری می شود. در نتیجه این عمل را نمی توان روسپیگری خواند، اما به هر حال این کار خود به نوعی سکس برای بقاست"^{۶۳}. مشکل روسپیگری برای بقا به هر جهت در بین زنان تنگدست چه آواره و یا بی پناه در داخل عراق وجود دارد. زمانی که رعنا 38 ساله همسر خود را در انفجاری در بغداد در سال 2006 از دست داد هرگز گمان نمی کرد که به ناچار برای سیر کردن کودکانش به روسپیگری روی آورد^{۶۴}. پس از حمله آمریکا به عراق، پیدا کردن کار بسیار دشوار شده است. مردان در اولویت قرار دارند و گاه افراتیون برای زنانی که کار می کنند و یا کارفرمایان مشکلاتی ایجاد می کنند. در نتیجه همواره تعدادی زن وجود خواهند داشت که برای سیر کردن فرزندان‌شان چاره‌ای جز این نداشته باشند.

5- قتل‌های ناموسی

قتل‌های ناموسی تنها در یک کشور جنگ‌زده و در شرایط نبود امنیت و برای زدودن لکه ننگی که زنان مورد تجاوز قرار گرفته بر دامان خانواده نشانده‌اند، رخ نمی‌دهد. گرچه شرایط جنگی، فشار اقتصادی و روانی بر خانواده، جو ناامنی حاکم و ... تشدیدکننده این مسأله خواهد بود. این نوع از خشونت علیه زنان تنها مختص به زنان خاورمیانه هم نیست. گزارش‌های ارسالی به کمیسیون/ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از وقوع قتل‌های ناموسی از بنگلادش تا بریتانیا، مصر تا یونان، اسرائیل تا ایتالیا، مراکش و اوگاندا تا سوئد خبر می‌دهد. در افغانستان دوران طالبان و عراق امروز هم نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان برشمرد. قتل‌های ناموسی یا قتل برای شرافت در کشورهای اسلامی، قتل برای جهیزه در هندوستان یا قتل‌های سودایی در آمریکای جنوبی همگی از سازوکاری یکسان برخوردارند. در این جنایتها اعضای مؤنث خانواده عموماً به‌وسیله خویشان نزدیک و مرد خود به دلایلی از قبیل داشتن رابطه جنسی پیش از ازدواج، خیانت به همسر، انتخاب شریک زندگی مخالف نظر خانواده و گاه تنها به خاطر شکی بی‌پایه به قتل می‌رسند. از آنجا که در این میان موضوع شرافت خانواده مطرح است، عذر این جنایتها برای دیگر اعضا خانواده و جامعه قابل درک بوده تا جایی که گاه این اقدامات به‌وسیله نزدیکان زن مقتول حمایت می‌شود.^{۶۵}

حنا اعلم که یک خبرنگار مصری فعال در عراق است، معتقد است: "دلایل وقوع این قتلها در همه جوامع تقریباً یکسان است، اما حالا در عراق یک دلیل تازه هم اضافه شده است. ازدواج یک دختر عراقی با یک سرباز آمریکایی و یا اشتغال دختر در یکی از نهادهای تحت نظارت نیروهای اشغالگر مثل سفارت و یا ارتش. امروزه در عراق هر کس به زبان انگلیسی مسلط باشد می‌تواند با دستمزدهای عالی به عنوان مترجم استخدام شود. دختری را می‌شناسم که توانست به عنوان مترجم در سفارت استخدام شود. با دستمزدش می‌توانست مخارج همه خانواده پرجمعیت خود را که اکثراً بیکار بودند، تأمین کند. خانواده به محض اینکه فهمیدند او در سفارت مشغول به کار شده است، او را به قتل رساندند. پدر دختر حتی حاضر نشد اجازه دهد جنازه دخترش در گورستان خانوادگی دفن شود.^{۶۶}

در قرآن کریم هیچ اجازه‌ای برای این دست اقدامات داده نشده است. تاهیدا شهید خان، استاد متخصص امور زنان از دانشگاه آقاخان علت این جنایت را در نوعی فرهنگ مردسالاری جستجو می‌کند. "زنان بدون توجه به سطح دانش، اخلاق یا مذهبشان در خانواده به عنوان اموال شوهرشان تلقی می‌شوند و مالک است که به این ترتیب سرنوشت ملک را معلوم می‌کند. مفهوم مالکیت، زنان را به کالایی تبدیل کرده است که می‌توان آن را معاوضه کرد، خرید یا فروخت^{۶۷}. تمامی قتل‌های ناموسی به شکل مستقیم رخ نمی‌دهد. در برخی موارد زنان آنقدر تحت فشار قرار می‌گیرند که به ناچار خودکشی می‌کنند. به عنوان مثال در منطقه کردستان عراق در سال 2005، 16 زن در سلیمانیه، 26 نفر در دهوک و 60 نفر در اربیل خودسوزی کرده‌اند که این میزان در سال 2006 به 61 مورد خودسوزی در سلیمانیه و 185 نفر در دهوک رسیده است. به همین ترتیب 10 زن در اربیل، 11 نفر در دهوک و 6 نفر در سلیمانیه به قتل رسیده‌اند و آمار کلی 59 قتل در سال 2005 به 118 نفر در سال 2006 رسیده است. زنان در برخی از موارد ناچار به خودسوزی شده و یا حتی به وسیله شوهران خود به آتش کشیده شده‌اند^{۶۸}.

خشونت جنسی در زندانها

تمام خشونت‌های جسمانی و روانی در اشکال مختلف علیه زنان عراقی تنها به دلیل ناامنی و مشکلات ناشی از آشوب اجتماعی اتفاق نمی‌افتد. در مورد تعداد نامعینی از زنان عراق، این خشونت‌ها در پشت دیوارهای بلند بازداشتگاه‌های نیروهای اشغالگر رخ می‌دهد. در فرهنگ نظامی، تجاوز جنسی به زنان به عنوان رویه‌ای اجرائی استاندارد تعریف شده است. تجاوز به زنان دشمن امری قابل پیش‌بینی است. علاوه بر اقدامات خودسرانه سربازان که الزاماً طی یک برنامه از پیش طراحی شده صورت نمی‌گیرد و معمولاً نادیده انگاشته می‌شود. خشونت جنسی می‌تواند بخشی از استراتژی ایجاد رعب و وحشت در بین عامه باشد. علاوه بر این موارد در زمان صلح یا جنگ در مورد زنانی که زندانی و یا بازجویی می‌شوند و مورد شکنجه قرار می‌گیرند، این شکنجه می‌تواند از نوع جنسی باشد^{۶۹}. در جنگ بوسنی هرزگوین بین 20 تا 50 هزار زن مورد

سوء استفاده قرار گرفتند. در طی جنگ رواندا در حدود 20 درصد زنان هتک حرمت شدند و در جنگ کنگو به پنج هزار زن تجاوز شد.^{۷۰}

ماجرای رسوایی تکان‌دهنده زندان ابوغریب در سال 2004 زمانی برملا شد که یادداشتی از سوی یک زن عراقی بازداشتی از زندان به بیرون فرستاده شد. در یادداشت آمده بود که نگهبانان آمریکایی زنان بازداشت شده را که گروه اقلیتی در ابوغریب تشکیل می‌دهند مورد تجاوز قرار می‌دهند. زنان ناچارند در برابر مردان برهنه شوند و اینکه برخی از آنان باردارند. این یادداشت از نیروهای مقاومت عراق می‌خواست تا زندان را بمباران کنند و زنان را از شرمساری مواجه شدن با آینده رها سازند.^{۷۱} در حالی که بیشتر نگاهها در ماجرای زندان ابوغریب بر موضوع مردانی که مورد تحقیر جنسی و آزار و اذیتهای غیر انسانی قرار گرفته بودند، متمرکز بود، اما چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد که زنان نیز در این میان به شدت لطمه خورده باشند. از میان 1800 عکس دیجیتالی که به‌وسیله زندانیان آمریکایی از پشت دیوارهای ابوغریب گرفته شده بود، تصاویری از تجاوز پلیس نظامی آمریکا در عراق به یک زن عراقی نیز وجود داشت.^{۷۲}

دولت بوش از افشای دیگر تصاویر و فیلمهای ویدئویی که در آن زنان برهنه زندانی دیده می‌شدند، ممانعت به عمل آورد، همچنین احتمال دارد تاکنون آنها نیز به سرنوشت تصاویر و فیلمهای شکنجه زندانیان گوانتانامو که بوش دستور از بین بردن آنها را صادر کرده است، دچار شده باشند. اعمال شنیع سربازان در همین جا تمام نمی‌شود. گزارشی که به‌وسیله IED^{۷۳} در ماه مارس 2005 به کمیسیون حقوق بشر ارائه شد، نشان می‌دهد این جنایات شکل‌های گوناگونی از تجاوز به زندانیان و یا تحقیر آنها را در بر می‌گیرد. در این گزارش از توهین به یک خانم سالمند عراقی حدوداً 70 ساله یاد شده است که سربازی آمریکایی مثل چهارپایی بر پشت او سوار است. همچنین در آن ماجرای یک زن عراقی نقل می‌شود که سربازان آمریکایی نیمه شب به منزل مسکونی‌اش حمله می‌کنند، آنجا را به هم می‌ریزند و خود او را بدون محاکمه 8 شبانه روز به همراه زنان دیگر محبوس می‌کنند. اگر چه این داستانها بسیار تکان‌دهنده هستند، اما تنها گوشه‌ای را از آنچه که بر سر زنان زندانی می‌رود، نشان می‌دهند. فرهنگ حیا مانع از آن می‌شود تا زنان ماجراهایی از آنچه بر سرشان رفته است، حکایت کنند.

اگر چه عنوان این موضوع تجاوز و خشونت جنسی در زندانهاست، اما شهر محمودیه در 20 مایلی جنوب بغداد گواه جنایتهای پلیس نظامی ایالات متحده در عراق است. در ماه مارس 2007، پنج سرباز آمریکایی در محمودیه به یک دختر عراقی تجاوز کردند و سپس او را به قتل رساندند. از آنجایی که تجاوز در عراق تابوست، خانواده این دختر برای او مراسم کفن و دفن عمومی نگرفتند و از به خاک سپردن او در گورستان خانوادگی طفره رفتند. این ماجرا سر و صدای زیادی در عراق به پا کرد و درجه‌داران و مقامات بلند پایه این کشور در عراق، ناچار به عذرخواهی از مردم شدند. در اینجا نکته‌ای وجود دارد که در گزارش عفو بین‌الملل در سال 2005 نیز بخوبی منعکس شده است. داغ ننگ بیشتر دامان قربانیان این جنایتهای را می‌گیرد تا مرتکبان آن را، به همین خاطر هیچ‌کس تمایل چندانی به گزارش این جنایات ندارد.^{۷۴}

به این ترتیب زنان عراق نه تنها از طرف گروههای افراطی و معارض، باندهای قاچاق انسان و یا طرفداران رژیم بعث - که به دنبال ایجاد رعب و وحشت در جامعه هستند - مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، بلکه پلیس نظامی ایالات متحده و یا به عبارت بهتر همان نیروی اشغالگر نیز بر همان سنت قدیمی جنگها، یعنی نگاه به زنان به عنوان غنایم جنگی با آنها برخورد کرده و گزارشاتی از آزار و اذیتهای آنان از این سو و آن سو شنیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله تحت عنوان بررسی اشکال خشونت علیه زنان در عراق امروز به آن پرداخته شد، تمام گوشه‌های این پرده پر نقش و غمبار را تصویر نمی‌کند. بحران همچنان ادامه دارد و همین مسأله دسترسی به اطلاعات را دشوار می‌کند. نهادهای گوناگونی آمارهای مختلفی را ارائه می‌دهند که شرایط را برای نتیجه‌گیری مبهم می‌کند. وجود برخی موانع مثل حیای اجتماعی و یا فرهنگ اسلامی مردم دسترسی به برخی اطلاعات را سخت و زیرزمینی بودن برخی از این مشکلات مثل قاچاق زنان مطالعه‌موردی و همراه با جزئیات را با اشکال مواجه می‌کند. برخی از اسناد مربوط به

خشونت علیه زنان در زندانها نیز جزء اسناد طبقه‌بندی شده دولتی قرار دارد و اگر از بین نرفته باشند، هنوز هم منتشر نشده‌اند.

حوادث و نیروهایی که منجر به بروز این خشونت‌ها شده و پیامدهایی که از این رفتارها ناشی می‌شوند همچون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته و مثل یک بازی دومینو بر هم تأثیر گذارند. به عنوان مثال به گزارش یونیسف در آوریل 2007، جنگ سال 2003 عراق، 720000 آواره عراقی از خود به جای گذاشته است که با مشکلات متعددی دست به گریبانند. زنان آواره با مشکلاتی از قبیل عدم حمایت در برابر خشونت و دیگر اشکال سوءاستفاده و استثمار، سرخوردگی، خصومت، خشونت و تبعیض در کشور و یا منطقه میزبان، ناتوانی در پیدا کردن کار، دسترسی نداشتن به اقلام اولیه مورد نیاز زندگی روزمره، دسترسی نداشتن به مراقبتهای بهداشتی و دیگر خدمات، مواجهند. بعضی از کشورهای میزبان به‌طور قانونی به پناهندگان مجوز کار نمی‌دهند و زنان اغلب پروانه کار قانونی نداشته و شغلهایی که به دست می‌آورند درخور مهارت آنان نیست، در نتیجه زنان پناهنده و بی‌خانمان اغلب با دستمزدهای اندک و شغلهای استثمارگری که ناشی از موقعیتی غیر قانونی است، کار می‌کنند.^{۷۵} تعدادی از همین زنان از سر ناچاری به فحشا کشیده می‌شوند و امنیت اجتماعی کشور میزبان را با مشکل مواجه می‌کنند و بالطبع وضع قوانین جدید و محدودیتهای بیشتر شرایط زندگی را باز هم برای آنان دشوارتر می‌کند. در داخل عراق هم چرخه کاذب مشابهی شکل می‌گیرد. ناامنی، بستر خشونت و گاه خود، خشونت است و خشونت بیشتر ناامنی مضاعفی را به همراه می‌آورد.

کمک‌رسانی به گروههای آسیب‌پذیر اجتماعی در این شرایط ناامن به‌مراتب دشوارتر است و رسیدگی به مشکلات در زمانی که گاه اولویتهای مهمتری وجود ندارد، چندان آسان نیست. تلاشها برای مهار و کاهش خشونت‌ها علیه زنان در عراق به‌وسیله نهادهای گوناگونی دنبال می‌شود. قانون اساسی عراق در نخستین اصل خود اسلام را به عنوان دین رسمی کشور معرفی کرده و در اصل 20 برای زنان حق رأی و مشارکت سیاسی قائل شده است. اصل 29 قانون اساسی عراق، تمامی شکلهای خشونت در خانواده، مدرسه و جامعه را ممنوع کرده و در اصل 35 به حمایت در برابر

قاچاق جنسی اشاره شده است.^{۷۶} علاوه بر این دولت به آموزش نیروی انتظامی و قضائی خود پرداخته و کنترل بیشتری را هم بر مرزها اعمال کرده است.

در این بین می‌توان به نقش سازمانهای غیر دولتی نیز برای مقابله با این مشکل در عراق اشاره کرد. در جنوب عراق به نسبت شمال این کشور سازمانهای غیردولتی کمتری فعالیت دارند. در شمال و در منطقه کردستان به عنوان مثال می‌توان به یک سازمان غیر دولتی آلمانی به نام WADI که شعبی در سلیمانیه دارد یا یک سازمان غیر دولتی نروژی اشاره کرد که پروژه‌های مختلفی را برای توانمند کردن زنان به کار می‌بندد و بیشتر در سطوح آموزش زنان و ارائه خدمات بهداشتی و حمایتی فعالیت می‌کنند.^{۷۷} سازمانهای غیردولتی نیز وجود دارند که اگر چه ممکن است مرکز فعالیت آنها در بیرون از عراق قرار داشته باشد، اما خود عراقی‌ها آنها را ایجاد کرده‌اند، مثل OWFI. اگرچه این سازمانهای غیردولتی برای بهبود شرایط زنان در عراق تلاش می‌کنند، اما نگاه غالب آنها سکولار است و همین مسأله چالشهایی را با فرهنگ اسلامی عراق و دیدگاه دولتمردان عراقی ایجاد کرده است. مسأله‌ای مانند پوشش که اجباری بودن آن از دید برخی از این نهادها نوعی خشونت علیه زنان عراقی محسوب شده و یا مبنایی برای آزار و اذیت و حتی قتل زنان عراق به شمار می‌رود، از یک نگاه اسلامی و با توجه به قانون اساسی عراق یک اصل به شمار می‌رود. در نهایت دسته‌ای دیگر از نهادهای یاری‌رسان به مردم عراق را نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی مثل UNAMI، UNIFEN و عفو بین‌الملل و دیگران تشکیل می‌دهد که هر کدام در حوزه اختیارات خود و در حد توان به دنبال کمک به مردم عراق بویژه زنان و کودکان این کشور هستند. اما اینکه آیا تمام این تلاشها کافی است نکته‌ای است که به‌سختی می‌توان نسبت به آن خوش‌بین بود.

در تمام گزارشها و اسنادی که این سازمانهای بین‌المللی منتشر می‌کنند، از ناامنی به عنوان بزرگترین مانع بر سر راه کمک‌رسانی به عراق یاد می‌شود. به گفته حنا اعلم "هیچ کس دلش برای دوران تسلط صدام تنگ نشده است. نه شیعه‌ها، نه سنی‌ها، نه کردها، نه اقلیتهای مذهبی. دل آنها برای زندگی عادی روزمره و صرف نهار با خانواده و دوستان، شرکت در مهمانی‌ها و عروسی‌ها،

خرید بی دغدغه و امنیت نسبی تنگ شده است. دل مردم فقط برای زندگی کردن تنگ شده است^{۷۸}.

در فضای جنگ، خشونت و ناامنی که عراق امروز را فرا گرفته است و علی‌رغم تمامی تلاشهایی که برای کنترل این شرایط انجام می‌پذیرد مشاهده می‌شود که چگونه ناامنی موجب تشدید خشونت علیه زنان شده است. افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی زندگی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بسیاری از مشکلات نهفته را آشکار کرده و مسائل جدیدی را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر با خارج شدن جامعه از شرایط امنیتی طبیعی امکان فعالیت برای بسیاری از گروههای قاچاق زنان و نیز اشرار خیابانی فراهم شده و تعقیب آنها دشوار می‌شود. حتی مصادیقی از خشونت علیه زنان (مثل قتل‌های ناموسی) را که در شرایط عادی می‌توان تعقیب کرد، در فضایی ناامن به شکلی گسترده‌تر رخ داده و از چشم پنهان مانده و بدون پاسخ باقی می‌ماند.

شرایطی که جامعه بین‌الملل در عراق با آن مواجه است بخوبی بیانگر این مسأله است که علی‌رغم تمام پیشرفتهایی که بخصوص در سالهای اخیر در زمینه تدوین قوانین و توسعه نهادهای بین‌المللی مرتبط با موضوعات حقوقی زنان به وقوع پیوسته و با وجود تمام پیشرفتهای دلگرم‌کننده‌ای که از توجه نهادهای بین‌المللی به موضوع خشونت علیه زنان بویژه در منازعات مسلحانه حاصل شده است، با قرار گرفتن در یک شرایط واقعی بخوبی می‌توان نقاط ضعف و کاستیهای اجرایی این مجموعه از قوانین و فعالیتها را مشاهده کرد. در اینجا به نظر می‌رسد رسیدگی به بحران گسترده و عمیقی که عراق را فرا گرفته تنها با همکاری تمامی نهادهای بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی و بسیج نیروهای داخلی این کشور و نیز پذیرفتن بار مسؤولیت بیشتر از طرف نیروهای خارجی در عراق امکانپذیر است.

تشکر و قدردانی

از استاد محترم سرکار خانم دکتر مصفا که در اجرای این پژوهش راهنماییهای ارزنده‌ای ارائه کردند، مراتب سپاس خود را ابراز می‌دارم.

1. www.en.wikipedia.com/iraq-war , 2003
2. Human Right Watch. Briefing Paper, Back Ground of Women Status In Iraq Prior to Fall of Saddam Hosein's Government,available at: <http://hrw.org/background/wrd/iraq-women.htm#womens/> November 2003
3. Personal Status Law
4. Lucy Brown, David Romano; Women in Post –saddam iraq:one step forward two step back:
www.mcgill.ca/files/icames/iraqiwomen/ 16 Jan 2004
5. International Convention on Economic,Social and Cultural Rights
6. International Convention on Civil and Political Rights
7. ذاکریان، مهدی؛ حقوق بشر در خاورمیانه؛ تهران : مرکز پژوهشهای استراتژیک و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 1382 .
8. GWFI : General Federation of Iraq Women
9. www.answer.com/topic/GWFI/28 December 2007
10. www.iq.undp.org/ILCS/education.htm
11. Human Right Watch.briefing paper,Op.Cit
12. The Convention Elimination of All Forms of Discrimination against Women
13. Human Right Watch.briefing paper,Op.Cit
14. **Iraq Women Under Saddam's Regime: A Population Silence**,
<http://www.state.gov/g/wi/rls/18877.htm>, 20 March 2003
15. Ibid
16. طاری کرانی، عباس؛ روز شمار نفت؛ تهران: نشر مهرشاد، 1370، ص 20.
17. نیاورانی، صابر؛ چالشهای کمکهای بشردوستانه در دوران مخاصمات مسلحانه؛ نسرين مصفا وديگران؛ چالشهای کمکهای بشردوستانه در خاور میانه؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1386 . ص 81..
18. WWW.Commendereams.org/views02/101_09.htm/ 17/October 2002
19. Iraqi Women Under Saddam's Regime, Op.Cit

20. Ibid.

21. Lucy Brown and Daviad Romana, Op.Cit

22. World Health Organization

23. WWW.who.int/entity/violenceprevention/approuch/definition/en/index.html-14k/ October 2007

24. Declaration of Elimination of Violence against Women, www.un.org/rights/dpi17772e.htm - 16k/ 20 December 1993

25. Ibid.

26. اشتری، بهناز؛ **فاچاق زنان بردگی معاصر**؛ تهران: نشر اندیشه برتر، 1383، ص 123.

27. مصفا، نسرين؛ "در جستجوی حمایت بیشتر، پروتکل حقوق زنان منشور حقوق بشر و مردم آفریقا"؛ **فصلنامه مطالعات آفریقا**، ص 57، پاییز و زمستان 1384.

28. همان.

29. مصفا، نسرين؛ "خشونت به زنان در بوسنی و هرزگوین، جنایت علیه بشریت"؛ مجموعه مقالات سمینار بوسنی و هرزگوین، چشم انداز آینده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1378، صص 389-390.

30. اشتری، بهناز؛ پیشین، ص 130.

31. مصفا، نسرين؛ در جستجوی حمایت بیشتر، پروتکل حقوق زنان منشور حقوق بشر و مردم آفریقا، پیشین، ص 55.

32. مرتوس، جولی؛ **زن جنگ بحران**؛ ترجمه نجله خندق، تهران: نشر قصه، 1383، ص 181

33. اشتری، بهناز؛ پیشین، ص 134

34. همان.

35. United Nation Development Fund for Women

36. Amnesty International

37. WWW.un.org/scr/1325

38. <http://www.fidh.org/spip.php?article/4316/22/05/2007>

39. شفيعی، امير؛ **کابوس زنان عراقی**، همشهری 1383/11/24.

40. قوانین بین الملل و حقوق پایمال شده زنان عراقی، سیاست روز، 1383/4/23.
41. <http://www.un.org/news/story.asp?newsid=21241&ncr=iraq&crl>, January 2007
42. Iraqi Body Count
43. <http://www.Iraqbodycount.org/database/21> Dec 2007
44. Kouri Jim; Human Trafficking and Sexual Exploitation in Iraq; [www.the American chronicle .com/article/asp?/6650/](http://www.theamericanchronicle.com/article/asp?/6650/), 7 march 2006
45. Rosen, Ruth; The Hidden War on Women in Iraq; <http://www.commendreams.org/views06/0713-33ht> ,13 july 2006, Related link :Peter Be amount Hiden Victims of a Brutal Conflict: Iraqi women <http://observer.guardian.co.uk/world/story/8> October 2006
46. Kouri, Jim; Op.Cit.
47. Sarhan, Afif ; Sex Traded in Iraq; <http://www.english.aljazeera.net/nr/exeres/36b04283-e367/> 13 Agust 2007
48. IRAQ-SYRIA-UNITED ARAB EMIRATES.Sex Traffickers Target in Iraq; <http://www.alertnet.org/the news/newsdesk/irin/> ,26 october 2006
49. Ibid.
50. Kouri, Jim; Op.Cit.
51. Organization of Women Freedom in Iraq
52. Sarhan, Afif; Op.Cit
53. Sex Traffickers Target in Iraq, Op.Cit
54. اشتری، بهناز؛ پیشین، ص 28
55. United Nation Refugees Agency
56. United Nation Childrens Found
57. World Food Program
58. Sarhan, Afif; Op.Cit
59. منتظر قائم، مهدی؛ روسپیگری در ایران، تهران، طرح آینده، 1384، ص 18
60. Survival Sex
61. Sarhan, Afif, Op.Cit
62. Ibid

63. Survival Sex Among Iraqi Women Refugees;
<http://www.iraquptodate.com/particles.php/> ,15 november 2007
64. Sarhan, Afif, Op.Cit
65. Mayer Hillary; Honor Killing; <http://news.nationalgeographic.com/news/> ,12 february 2002
66. اعلم، حنا؛ انگار این جنگ، جنگ علیه زنان عراقی بود، فرناز یوسفی، روزنامه
اعتماد ملی، 1385/5/9
67. Mayer, Hillary, Op.Cit
68. http://www.iraquptodate.com/particle/article_24406
69. مرتوس، جولی؛ پیشین، ص 34
70. www.who.int/gender/en/infobulletinconflict.pdf
71. Luke Harding, guardian.co.uk.in
<http://sumoud.tao.ca/q?nod/view/552/20>, May 2004
72. Ibid
73. International Educational Development
74. Sexualized Violating Against Iraqi Women by US Occupying Forces/presented to The United Nation Commission of Human Rights.in: Psychoanalystsopposewar.org, March 2005
75. مرتوس، جولی؛ پیشین
76. <http://www.cbsnews.com/stories/opinion/1385781/html/>, 9 March 2006
77. IDE.Op.Cit
78. اعلم، حنا؛ پیشین